

کتاب صفینا

پیشگفتار

غرب پیش می‌روند: اورشلیم سه بار به محاصره در می‌آید و سرانجام در سال ۵۸۷ ق.م. ویران می‌شود.

میان این دو حرکت متقابل، شاهد هجوم سکاها می‌باشیم که بیست و هشت سال به درازا کشید (حدوداً بین ۶۳۹ تا ۶۱۱ ق.م.) ایشان بر بخش مهمی از خاور نزدیک سیطره یافتند. ایشان که از شمال دریای سیاه آمده بودند، مادها را از میان برداشتند، آسیای صغیر را اشغال کردند، و با پیشروی در کناره‌های دریای مدیترانه، به طرف جنوب، به سوی مصر حرکت کردند. اقدامات و هدایای پادشاه مصر (پسامتیک، ۶۶۴-۶۲۰ ق.م.) راه ایشان را تغییر داد. اما سکاها که ارباب جدید آسیا و مرزهای مصر بودند، سرزمین‌هایی را که به تصرف در می‌آوردند یا از آنها عبور می‌کردند، غارت کرده، ویران می‌ساختند و مردمان را به میل خود تحت سلطه در می‌آوردند؛ همه این اقدامات با غارت اشقلون و سقوط اشدود (حدود ۶۱۱ ق.م) در فلسطین به پایان رسید. در همین دوره بود که فرعون نکائوی دوم، غزه، شهر دیگری در فلسطین را به تصرف در آورد، سوری‌ها را در مجدو شکست داد و تاحران در بین‌النهرین پیش رفت.

در طول تمام این دوره، و خصوصاً سیطره آشور که همزمان با دوره سلطنت طولانی منسی

آیا خدا به انسان توجهی دارد؟ آیا تاریخ را هدایت می‌کند؟ این چنین است سؤالاتی که شکاکان در دوره‌ای از مصیبت از نبی می‌پرسند (صف ۱: ۱۲).

۱. چارچوب تاریخی

مطالب کتاب صفینا در واقع به دوره‌ای از تاریخ مربوط می‌شود که به گونه‌ای استثنایی فاجعه‌آمیز است؛ این امر برای این نبی، مانند بسیاری دیگر، این سؤال را مطرح می‌ساخت که معنای تاریخ چیست.

در این دوره، پیش از هر چیز توصیه طلبی آشور را می‌بینیم که همراه بود با ویرانی و خشونت‌های بی‌حد و حصر. فروپاشی دولت‌های آرامی که میان فرات و مدیترانه واقع بود، سپس سقوط دمشق در سال ۷۳۲ ق.م. تصرف سامره در ۷۲۲ ق.م. و تبعید اهالی آن، تصرف صور در ۷۰۱ ق.م. و فتح صیدون که در ۶۷۱ ق.م. با خاک یکسان شد، غارت تبس در مصر در سال ۶۶۳ ق.م. و بالاخره غارت بابل در سال ۶۸۹ ق.م. سنخاریب در این مورد می‌نویسد: «بدتر از طوفانی کوبنده با آن عمل کردم».

چند دهه بعد، اوضاع دگرگون می‌شود: مادها نینوا را در سال ۶۱۲ ق.م. ویران می‌سازند. سپس نو-کلدانیان بابل به سوی

بود، اورشلیم نمی توانست بی طرف بماند. این شهر که در راهرو فلسطین قرار داشت، در توطئه ها و اتحادهای سیاسی، مانند سایر دولت های کوچک واقع میان بین النهرین و مصر شرکت جست. به این شکل بود که آمون، پادشاه یهودا، احتمالاً به دست گروهی از افسران که قصد داشتند یوغ آشور را از گردن خود وانهند به قتل رسید. در مقابل این حرکت هواداران مصر، بلافاصله ضدانقلابی از سوی «مردم زمین» صورت گرفت که به واسطه آن، یوشیا که در آن زمان هشت سال داشت، بر تخت سلطنت جلوس کرد.

در چنین شرایطی واکنشی بر علیه نفوذ آشور، و در سال های صغارت پادشاه است که فعالیت صfnیای نبی و انتقادهای سیاسی و مذهبی او را بهتر درک می کنیم، فعالیت و انتقادهایی که هم بر علیه وزرا بود و هم درباریان، یعنی آنانی که به بیگانگان وابسته بودند و حتی روش پوشاک یا آداب مذهبی ایشان را تقلید می کردند. از این دوره، مدارکی در خصوص قراردادهای تجاری با یهودیان و مصریان جازر یافت شده که به زبان آشوری و طبق حقوق آنان نوشته شده است.

جزئیات کتاب را می توان به بخش های زیر تقسیم کرد:

۱. عنوان (۱:۱)،
۲. وحی های هشدار و تهدید علیه یهودا (۱:۱۳-۲)،
۳. روز خداوند (۱:۱۴-۱۸)،
۴. اندرز به بازمانده، یعنی فروتنان (۲:۱-۳)،
۵. داوری و تهدید بر علیه ملت های متخاصم با یهودا (فلسطینیان، موآبیان، عمونیان، کوشیان و آشوریان) (۲:۴-۱۵)،
۶. رد شدن اورشلیم همردیف ملت های بت پرست قرار داده شده (۳:۱-۸)،
۷. وعده های برقراری مجدد (۳:۹-۲۰).

۳. موضوع های مهم کتاب

آسمانی مکاشفه ای و زمینی برای مسکینان خداوند: این چنین است دو افق دید صfnیا؛ البته همراه با یک واقعیت کانونی: خدا «در میان» قومش می باشد (۳:۵، ۱۲، ۱۵؛ ر.ک. ۲:۳)، زیرا فقط خدا است که تاریخ را سامان می بخشد و حقیرشدگان را نجات می دهد.

الف) روز خداوند

این موضوعی است که باعث آوازه کتاب صfnیا شده است. این محور ثقل اندیشه نبی است که دو قطب دارد: اسرائیل در یک سو، و ملت ها در سوی دیگر، یعنی دو نیروی متخاصم که نتیجه آن «بازمانده» خواهد بود. این موضوع «روز خداوند» تحت حاکمیت تاریخی تلاطمات سیاسی زمانه قرار دارد. روز

۲. طرح کتاب صfnیا

ترتیب کنونی کتاب صfnیا را که شامل سه بخش است، باید به ویراستاران این کتاب نسبت دهیم. کتاب از سه بخش کلاسیک که به گونه ای خاص حالت نبوتی دارد تقسیم شده است (ر.ک. ارمیا و حزقیال)، که عبارت است از هشدار به اسرائیل، داوری بر ملت ها، و وعده های سامان یابی.

قرار می‌دهد و مصیبت را برای آن اعلام می‌دارد. خداوند تفتیش کرده، محکوم و تنبیه خواهد کرد. و فقط بزرگان نیستند که متحمل رنج خواهند شد، بلکه بت پرستان، مقامات مملکتی، تاجران و بی‌ایمانان نیز. از معبد گرفته تا کوچه و بازار، تمام شهر متحمل عمل الهی خواهد شد.

اما ملت‌های بت پرست نیز متحمل مجازات الهی خواهند شد. صنفیا مانند سایر انبیا، به چهار گوشهٔ دنیای روزگار خود می‌نگرد تا نابودی و ویرانی‌شان را اعلام دارد، یعنی به فلسطینیان (در غرب)، به موآب و عمون (در شرق)، به کوشیان (در جنوب)، و به آشور (در شمال).

کتاب در بردارندهٔ قرائتی نبوتی از نشانه‌های زمان‌ها است، قرائتی که راه را برای پیدایش سبک مکاشفه‌ای آماده می‌سازد.

ج) فروتنان

در کنار ضربات رعدی که از صدای نبی بر می‌آید، وی گفتاری مهربان برای کوچکانی دارد که ارادهٔ خداوند را «به جا می‌آورند». اینان، یعنی «فروتنان» امیدی دارند تا از فاجعهٔ غضب خداوند رهایی یابند. ایشان «بازمانده» هستند، قوم جدید خداوند.

د) کوه مقدس خداوند

خدا اسرائیلی با بنیادی درست، یعنی «بازمانده‌ای» را گرد خواهد آورد و ایشان را در میان ملت‌ها تکریم خواهد بخشید؛ او این کار را در اورشلیم انجام خواهد داد، اورشلمی‌ها آزاد و مقدس که در آن او همچون پادشاه قوم

خداوند آن روزی است که خداوند انتقام قوم خود را خواهد کشید، تقدیر او را تعیین خواهد کرد، مانند گذشته در روزگار خروج ایشان را نجات خواهد بخشید، و برای این منظور، عجایب هولناک خود را بر علیه ملت‌ها تجدید خواهد کرد. اما اندیشهٔ صنفیا از چارچوب مشخص تاریخ فراتر می‌رود: پیشگویی او مربوط به فاجعه‌ای کیهانی می‌گردد. او بدون اینکه تردیدی به خود راه دهد یا دچار احساسات گردد، این روز غضب و نابودی را اعلام می‌دارد. گرچه فروتنان می‌توانند امیدوار باشند، با این حال تاریخ در ضیافت خونینی به پایان خواهد رسید که خود خداوند آن را ترتیب خواهد داد. روز خداوند (که قبلاً عاموس و ناحوم و یوئیل در مورد آن سخن گفته‌اند)، روز واژگونی عمومی خواهد بود. صنفیا با حدت و شدتی بی‌مانند، به توصیف داوری‌ای می‌پردازد که در هراس و ویرانی، نه فقط شامل حال انسان‌ها و تمدن‌ها می‌گردد، بلکه شامل حال هر آن چیزی خواهد شد که بر روی زمین حیات دارد؛ آن روز، روز فروپاشی خلقت خواهد بود (صنفیا ۱: ۲-۳، ۱۵).

مع‌هذا، روز خداوند نزد صنفیا اساساً به معنی پایان جهان و تاریخ نیست، بلکه تغییر و احیای قوم خداوند و پایان عصر گناه است. و همه چیز منجر به سرودهای شادی «بازمانده» خواهد شد (فصل ۳).

ب) وحی‌هایی بر علیه یهودا و ملت‌ها

از آنجا که اورشلیم بی‌ایمان و سرکش است، از آنجا که بزرگان و داوران و انبیا و کاهنانش نسبت به صدای خدا ناشنوا شده‌اند، نبی، اورشلیم را تحت داوری خدا

سقوط نینوا به سال ۶۱۲ ق.م. آگاه بوده، و حتی دو محاصره اورشلیم (به سال‌های ۵۹۷ و ۵۸۶/۵۸۷ ق.م.) و تصرف آن را شاهد بوده است. تبعید اهالی اورشلیم به بابل توجیه می‌کند که چرا بعد از آن همه نبوت در مورد سیه روزی‌ها، صفنیا توانسته وحی‌هایی بر زبان آورد که به تبعیدی‌ها امید بازگشت و سامان‌یابی را نوید می‌داده است.

در مورد وجود نبی و قانونی بودن کتاب او هیچگاه تردید جدی وجود نداشته است. حتی اگر در این کتاب آثاری از مداخلت‌های متأخر وجود داشته باشد، باید نقدهایی را که در زمینه بخش‌های غیر اصیل به عمل آمده، با احتیاط مورد ملاحظه قرار داد.

در میان بخش‌هایی که در مورد اصالتشان تردیدهایی هست، باید به ۸:۲-۱۱ اشاره کرد که در آن وزن شعری «مرثیه» (قینه) رنگ می‌بازد و بار دیگر در آیه ۱۲ پدیدار می‌گردد.

را پیشوایی خواهد کرد. بدینسان، پس از چندین صفحه از تاریک‌ترین صفحات عهد عتیق، کتاب صفنیا بالحنی سرشار از امید به پایان می‌رسد، با رؤیایی از رقص و شادمانی در اورشلیمی که در ضیافت بسر می‌برد.

۴. تاریخ کتاب و اصالت آن

همان‌گونه که کارل بارت به درستی گفته است، «انبیا مردانی هستند بدون زندگینامه». با این حال، اشارات صفنیا به تاریخ روزگار خود به اندازه کافی روشن است و بیانگر تجربیات او از محافل سیاسی‌ای است که تاریخ‌گذاری کتاب او را میسر می‌سازد، لاقلاً به طور تقریبی. می‌توان با قطع و یقین گفت که او فعالیت خود را در سال‌های صغارت یوشیا آغاز کرده است. پس اگر آن‌گونه که تاریخ‌نگاران اظهار می‌دارند، بتوانیم آغاز خدمت او را به سال ۶۳۰ ق.م. مربوط بسازیم، احتمال بسیار هست که او از

کتاب صُفْنِیا

داوری بر علیه یهودا و اورشلیم

۴ دست خود را علیه یهودا دراز خواهم کرد

و علیه تمامی ساکنان اورشلیم،

و از این مکان بر خواهد کند

آنچه از بعل باقی مانده،

نام ملایانش را،

۵ و آنان را که بر بام ها سجده می کنند

در برابر لشکر آسمان ها^d،

و آنان را که در برابر یهوه سجده

می کنند^e

و به ملکوم^f سوگند یاد می کنند،

۶ و آنان که از پس یهوه دور می شوند،

که یهوه را نمی جویند

و او را جستجو نمی کنند.

۷ در برابر خداوند یهوه خاموش باشید!^g

زیرا نزدیک است روز یهوه!

۱ کلام یهوه که بر صفنیا پسر

کوشی، پسر جدلیا، پسر امریا، پسر

حزقیای^a، در روزگار یوشیا^b پسر آمون،

پادشاه یهودا فرا رسید.

۲-پا ۲۲:۱
ار: ۲

روز خداوند

داوری خداوند بر علیه زمین

۲ آری، همه چیز را از سطح زمین نابود

خواهم ساخت

- وحی یهوه -

۳ انسان و حیوان را نابود خواهم ساخت،

پرنندگان آسمان و ماهیان دریا را نابود

خواهم ساخت؛

بدکاران را به لغزش خواهم آورد^c،

انسان را از سطح زمین بر خواهد کند

- وحی یهوه.

ار: ۷:۲۰
هو: ۳:۴

۲-پا ۲۳:۴-۵

۲-پا ۲۱:۳-۵

۱۲:۲۳

تث: ۴:۱۹

اش: ۱:۴

۱۲:۹

حب: ۲:۲۰

زک: ۱۷:۴

a با اینکه این نام متعلق به پادشاهی است که همزمان با اشعیا می زیست (قرن ۸ ق.م.) نمی توان تأیید کرد که صفنیا یکی از اعقاب او بوده باشد.

b یوشیا از سال ۶۴۰ تا ۶۰۹ سلطنت کرد.

c به هنگام مداخلت الهی، هر آنچه که سبب سقوط اهالی یهودا بوده نابود خواهد شد، یعنی مخلوقاتی که ایشان به پرستش آنها پرداخته اند (ر.ک. روم ۱:۲۳). با این حال، تفسیر این متن حالتی فرضی دارد.

d واکنش صفنیا دو موضوع را مدنظر دارد: او از یک سو به مذهب کنعانیان حمله می کند (مذهب بعل) که همواره تهدیدی بوده بر علیه ایمان و اعتقاد قوم اسرائیل؛ و از سوی دیگر، به مذهب مردمان بین النهرین حمله می برد که متمرکز بود بر پرستش ستارگان و آمون و منسی، پادشاهان یهودا، ظاهراً آن را در اورشلیم رواج داده بودند (ر.ک. ۲-پا ۲۱:۳-۵ و ۲۲-۲۱).

e متن عبری در اینجا اضافه می کند «که سوگند یاد می کنند». این تکراری است بی مورد. ر.ک. به دنباله آیه.

f تحت اللفظی: «به ملک خود» یا «به پادشاه خود». اما لقب عبری «ملک» (یعنی پادشاه) تبدیل به نام خدایان شده، همانطور که نام بعل (یعنی ارباب) نیز چنین شده است. ر.ک. اش ۵۷:۹ و نام های خاص ایملک و اخیملک. اما ظاهراً متن در اینجا به خوبی منتقل نشده و بهتر است مانند ترجمه های قدیمی، آن را «ملکوم» قرائت کنیم که خدای اصلی عمونیان است (۱-پا ۳۳:۱۱). ما در ترجمه خود همین کار را کرده ایم.

g به نظر می رسد که این آیه در جای درست خود نباشد، زیرا به طور تنگاتنگ به آیات ۱۴-۱۸ مربوط است.

- مکا: ۱۷-۱۸-۱۹ زیرا که یهوه قربانی ای مهیا کرده،
 میهمانان را تقدیس کرده است.^h
 در روز قربانی یهوه واقع خواهد شد
 که بر علیه بزرگان و بر علیه خانه پادشاه
 مکافات خواهم رساند،
 و بر علیه جمله آنان که جامه های بیگانه
 به تن می کنند.ⁱ
 بر علیه جمله آنان که از روی آستانه
 می پرند مکافات خواهم رساند.^j
 - در آن روز -
 آنان که خانه خدایان را پر
 می سازند
 از خشونت و تقلب.
 در آن روز واقع خواهد شد
 - وحی یهوه -
 هیاهویی از جانب دروازه «ماهیان»
 زوزه هایی از جانب شهر جدید
 و صدایی مهیب از جانب تپه ها.
- مکا: ۱۷-۱۸-۱۹ زوزه سر دهید، ای ساکنان «هاون^k»
 زیرا که هلاک شده تمام نسل بزرگان! اش: ۲۳:۸؛ زک: ۱۴:۲۱
 نابود شده اند تمام وزن کنندگان نقره!^l
 در آن زمان واقع خواهد شد
 که اورشلیم را با چراغ کاوش خواهم
 کرد.^m
 و بر علیه مردان مکافات خواهم رساند
 که بر دردشان منجمد شده اند.ⁿ
 آنان که در دل خود می گویند:
 «یهوه نه نیکی می کند نه بدی.^o»
 ثروتشان به یغما سپرده خواهد شد
 و خانه هاشان به نابودی؛
 خانه ها بنا کرده و در آنها ساکن نخواهند
 شد،
 تاکستان ها خواهند کاشت و از باده اش
 نخواهند نوشید.
 نزدیک است روز یهوه، آن روز عظیم^p، یول: ۲:۱
 نزدیک است، به شتاب می آید!

h در آن روزگار، قربانی معمولاً همراه بود با خوراکی که برای آن خود را تطهیر می کردند. مفسران بر این عقیده بوده اند که «میهمانان» می توانستند لشکرهای خداوند یا حیوانات وحشی ای بوده باشند که برای چریدن از اجساد فرا خوانده شده بودند؛ یا شاید هم لشکرهای بیگانگان بودند که از سوی خداوند فرا خوانده شده بودند تا مجازات او را به عمل آورند.

i تقلید از بیگانگان در امر پوشاک نشانه این بود که در سایر شعون نیز از آنان تقلید می کرده اند، نظیر شیوه زندگی، اندیشیدن و عبادت (ر.ک. ۲. مک ۴:۱۳-۱۴).

j این اصطلاح که چندان روشن نیست، یادآور عملی است که در ۱- سمو ۵:۵ به آن اشاره شده است. اما برخی از مترجمان بر این باورند که این امر می تواند اشاره ای باشد به پرستندگان خدایی دروغین که به سویی بر می آمده اند که قربانگاه آن بر آن قرار داشت؛ یا شاید هم اشاره ای باشد به درباریانی که به جایگاه بلندی بر می آمده اند که تخت سلطنت پادشاه بر آن قرار داشت تا به او هدایایی را تقدیم کنند که با زور و ستم اخذ شده بوده (ر.ک. به دنباله آیه).

k برخی ترجمه می کنند «شهر پست» (یا «شهر چاله»): این نام محله ای است در اورشلیم.
l اشاره به بزرگانان (تحت اللفظی: «مردم کنعانی») و «وزن کنندگان نقره» حاکی از این است که حتی استوارترین نهادهای اجتماعی نیز به هنگام مداخلت الهی پایدار نخواهد ماند (ر.ک. آیه ۱۸).

m منظور جستجویی شبانه نیست. چراغ به این کار می آمد که پنهان ترین گوشه های شهر را هم بگردند: هیچ کس قادر به گریز نخواهد بود. ر.ک. عا ۳:۹.

n منظو کسانی است که بی حرکت در دُرد خود قرار گرفته اند. ر.ک. ار ۱۱:۴۸.

o چنین تردیدی (ر.ک. ار ۵:۱۲؛ مز ۱۰:۴؛ ۱۴:۱) بر خلاف تأیید کتاب مقدس است بر اینکه خدا «زنده» است؛ هم چنین به معنی نفی هر آن چیزی است که خدا برای قوم اسرائیل انجام داده است، یعنی رهایی از مصر، اعطای شریعت، و عهد الهی.

p در خصوص «روز خداوند»، ر.ک. مقدمه کتاب: توضیحات هو ۵:۱؛ مقدمه یوئیل: توضیحات عا ۵:۱۸.

تمامی زمین نابود خواهد شد^T،
زیرا او قلع و قمع می خواهد کرد، و حتی
به ناگاه،
جمع ساکنان زمین را.

دعوت به توبه

۲ داخل خویشتن شوید، داخل
شوید^S،
ای ملت بی شرم،
پیش از آنکه رانده شوید^T
همچون کاهی که در یک روز می رود،
پیش از آنکه بر شما فرا رسد
حدت خشم یهوه،
پیش از آنکه بر شما فرا رسد
روز خشم یهوه!
۳ یهوه را بجوید، ای همه شما فروتنان^U
سرزمین
که قاعده او را به جا می آورید؛
عدالت را بجوید، فروتنی را بجوید؛
شاید که در پناهگاه جای داده شوید،
در روز خشم یهوه.

ع۴:۵
ع۱۲:۳
اش۱۵:۵۷
ع۲:۶۶

ای فریاد تلخ روز یهوه!
آنگاه قهرمان فریادی گوش خراش
برمی آورد.
۱۵ روز تغییر است آن روز،
روز پریشانی و اضطراب،
روز نابودی و ویرانی،
روز ظلمات و تاریکی،
روز ابرها و ابرهای سیاه،
۱۶ روز نواختن کرنا و هیاهو
بر علیه شهرهای دژ مانند
و بر علیه برج های رفیع زاویه!
۱۷ مردان را به شدت خواهم فشرد،
و ایشان همانند نابینایان راه خواهند
رفت،

یول ۲:۲
ع۲۰:۱۸، ۵۸

یول ۲:۱

چرا که در حق یهوه گناه کرده اند؛
خونشان به سان غبار ریخته خواهد شد،
و احشایشان به سان کثافات.

ار۲۱:۹
مز۳-۲:۷۹

۱۸ نه تفره و نه طلایشان
قادر به نجات ایشان نخواهد بود؛
در روز تغییر یهوه
و به آتش حسادت او^Q

جز۱۹:۷
مز۴:۱۱

تث۴:۴
ع۲۲:۳۲
عبر۲۹:۱۲

Q در خصوص «حسادت» خدا، ر.ک. توضیحات خروج ۱۴:۳۴؛ توضیحات نا ۲:۱.
R فاجعه و مصیبت در اینجا حالتی جهانی به خود می گیرد. مجازاتی که در وهله اول می بایست گریبانگیر یهودا و اورشلیم گردد (آیات ۴-۱۳)، اکنون گریبان تمام ملت ها را خواهد گرفت (ر.ک. ۲:۴-۱۵).
S این ترجمه ای است فرضی از اصطلاحی مبهم. سایر ترجمه ها چنین برگردانده اند: «خم شوید، فروتن شوید»: «خود را جمع کنید، جمع آوری چنین»: «خود را انباشته کنید، خود را جمع کنید»: «به فکر فرو روید، بکوشید استوار بایستید».
T ترجمه ما مبتنی است بر حدس؛ قرائت عبری: «پیش از تولد حکم»: در این صورت، منظور نزدیک بودن حکم محکومیت است.
U در اندیشه صفینیا، «فروتنان» در نقطه مقابل تمام کسانی قرار دارند که به قدرت خود اتکا دارند: مقامات مملکت (۱:۸-۹)، ثروتمندان (۱:۱۰-۱۱)، و آنانی که به خدا واقعی نمی گذارند (۱:۱۲) نبی ارزش ها را واژگون می سازد: یگانه حالت قلبی که می تواند حیات انسان را ابقا کند، «جستجوی» خداوند است.

اش ۱۴:۲۸-۳۲؛
ار ۱:۴۷-۷؛
اش ۱۵:۱۷-۱۷؛
یول ۳:۴-۸؛
عا ۶:۸-۸؛
زک ۵:۹-۷

وحی های تهدید^۷

بر علیه اهالی مغرب

چرا که غزه متروک خواهد شد^۴
و اشقلون تبدیل به ویرانه خواهد گشت؛
اشدود را در وسط نیمروز بیرون خواهند
افکند،

و عقرون از ریشه بر کنده خواهد شد.

وای بر ساکنان منطقه دریا^۵،

بر ملت کرتیان!

کلام یهوه بر علیه شما است:

«کنعان^x، ای زمین فلسطینیان،

تو را در اثر نبود ساکنان هلاک خواهیم
ساخت!»

منطقه دریا چراگاه خواهد شد،

و مرع چوپانان و چراگاه گوسفندان.

و آن منطقه تعلق خواهد یافت^۷

به بازمانده خاندان یهودا؛

در کنار دریا خواهند چرانید^۷،

در خانه های اشقلون، شب هنگام،
خواهند غنود؛

زیرا یهوه، خدای ایشان، آنان را ملاقات
خواهد کرد

و تقدیر ایشان را تغییر خواهد داد.

بر علیه اهالی مشرق

ناسزاهای موآب را شنیده ام^۸

و اهانت های بنی عمون را،

هم آنان که قومم را ناسزا گفته اند

و با قلمرو او با تکبر رفتار کرده اند.

به همین سبب، به حیات خود سوگند!^۹

- وحی یهوه لشکرها، خدای اسرائیل -

موآب همچون سدوم خواهد شد

و بنی عمون همچون غموره،

خطه ای از خار و خشک، معدن نمک،

ویرانه ای برای همیشه.

بازمانده قوم ایشان را غارت خواهند
کرد،

و آن کس که از ملت من زنده باقی

بماند، از آن میراث خواهد یافت.

اینک این برای آنان است، به سبب^{۱۰}
تکبرشان،

چرا که ناسزا گفته و فخر فروخته اند

به قوم یهوه لشکرها.

هولناک خواهد بود یهوه بر علیه آنان،^{۱۱}

آن هنگام که هیچ سازد تمامی خدایان
زمین را

و در برابر او سجده نمایند،

اش ۱۵-۱۶؛
ار ۱:۴۸-۱:۴۹؛
حزق ۱۱:۱-۱۱:۲۵؛
عا ۲:۱۳-۳

پید ۱۹:۲۴-۲۵

۷ وحی هایی که بر علیه «ملت ها» بیان شده، مشابه همان وحی هایی است که نزد سایر انبیا باز می یابیم: اش ۱۳-۲۳؛ ار ۴۶-۵۱؛ حزق ۲۵-۳۲؛ عا ۱-۲:۳؛ عو؛ نج؛ حب ۲:۵-۲۰. صفنیا برای مثال مانند عاموس، نخست نگاهی به شهرها و سرزمین های بیگانه می اندازد (به غرب به فلسطینیان؛ به شرق به موآب و عمون؛ به جنوب به کوشیان (همان نویبان)؛ و به شما به آشور)؛ سپس شهر خود یعنی اورشلیم را مخاطب قرار می دهد (۳:۱-۴).

W منظور از «منطقه دریا» همان سرزمین فلسطینیان است. این اصطلاح را می توان «اتحاد دریا» نیز ترجمه کرد که در این صورت، اشاره دارد و هم به ارتباط فرهنگی و اقتصادی که فلسطینیان با جزیره کرت و جزیره های دریای اژه داشتند، چرا که ایشان خود از سرحدات شرقی دریای مدیترانه به این سرزمین آمده بودند. برخی دیگر ترجمه کرده اند: «منطقه ساحلی» که باز به همان دیار فلسطینیان دلالت دارد.

X کلمه «کنعان» همه به منطقه جغرافیایی اشاره دارد که نام این سرزمین را به دست داده، و هم به موضوع «تجارت»، چرا که در این سرزمین تاجران مذکور در ۱۱:۱ را می یابیم.

Y صفنیا اعلام می دارد که فلسطینیان که همیشه حالتی بیگانه در سرزمین فلسطین داشته اند، در نهایت از آنجا بیرون رانده خواهند شد و یهودا سرزمین کنعان را تا به دریا به تصاحب در خواهد آورد.

هر یک در مکان خویش،
تمامی جزیره های ملت ها^Z.

۷-۱۰:۱۸ اش **بر علیه اهالی جنوب**

^{۱۲} شما نیز ای کوشیان!

ایشان قربانیان تیغ من خواهند شد...^a

«من، و فقط من!»

چگونه تبدیل به ویرانه شده،

محل آرمیدن حیوانات؟

هر کس که از کنار آن بگذرد

سوت کشیده، دست تکان می دهد^d.

ار ۱۹:۸؛
۱۷:۴۹

بر علیه اورشلیم

^۱ اوای بر آن سرکش، آن نجس شده،

بر آن شهر ستم!

^۲ به دعوت گوش نسیپارده،

درس را نپذیرفته؛

به یهوه اعتماد نکرده،

به خدای خویش تقرب نجسته است^e.

^۳ بزرگانش در میان او

شیران غران می باشند؛

داورانش گرگان شب هنگام اند

که صبحگاهان چیزی ندارند بچوند،

^۴ انبیایش لاف زن می باشند،

خائنانی به منتهی درجه؛

کاهنانش آنچه را که مقدس است

بی حرمت ساخته اند

و شریعت را زیر پا گذارده اند.

ار ۳:۵؛
۲۸:۲۶، ۷
۳۱:۲۲

ار ۱۵-۱۳:۶؛
حز ۲۵:۲۲

ار ۱۱:۲۳؛
حز ۲۶:۲۲

۱۹-۵:۱۰ اش **بر علیه اهالی شمال**

^{۱۳} او دست خود را بر علیه شمال نیز دراز

خواهد کرد

و آشور را هلاک خواهد ساخت؛

نینوا را تبدیل به ویرانه خواهد کرد،

زمینی بایر همچون صحرا.

^{۱۴} در میان او گله ها خواهند آرامید،

حیوانات از هر نوعی،

حتی جغد^b، حتی خارپشت،

شب را در سرستون های او خواهند

گذراند.

بوم در پنجره آواز خواهد خواند،

و کلاغ بر روی آستانه خواهد بود^c

...

^{۱۵} این چنین خواهد بود آن شهر پرشعف،

که در امنیت ساکن بود، ۱۰-۸:۴۷ اش

و در دل خود می گفت:

Z در کتاب مقدس، «جزیره» دلالت دارد به مناطق دوردست. ر.ک. پید ۵:۱۰؛ اش ۱۱:۱۱؛ ۵:۴۱.

a احتمالاً اشاره ای است به پیروزی آشور بر سلسله کوشی ها که بر مصر فرمان می رانند.

b تعیین هویت این پرنده که در اینجا و در چهار جای دیگر در کتاب مقدس نامش آمده، دشوار است. آن را به شکل های گوناگون ترجمه کرده اند: جغد، بوم، زاغچه و پلیکان. در مزمور ۷:۱۰۲، ترجمه وولگات که آن را نوعی پلیکان برگردانده، بسیاری از مفسران را بر آن داشته تا در آن تصویر مسیح را مشاهده کنند.

c آخرین مصرع این آیه قابل ترجمه نیست: قرائت تحت اللفظی آن چنین می گوید: «زیرا درخت سدر را عریان کرده است».

d سوت زدن و حرکات دست بیانگر تمسخر و حیرت است، اما می تواند حاکی از ترس نیز باشد، شاید هم آیینی جادویی بوده باشد برای راندن ارواح خبیث.

e در این آیه، چهار خصوصیت زندگی ایمانی ارائه شده است. «تقرب جستن به خدا» در وهله اول به «عبادت آیینی» اشاره ندارد، بلکه به قول دسلر، به معنی اطاعت از اراده خدا است.

نتیجه

۱۷:۳ ۵ بیهوه، در میان وی^f، عادل است،

مرتکب ظلم نمی گردد،

هر روز صبح داوری خود را در نور
می گذارد،

۱۵:۶ بی آنکه در این کار قصور ورزد.

اما شخص ناعادل شرم نمی شناسد.
۶ ملت ها را نابود ساخته ام،

برج های زاویه آنها ویران شده است؛

برزن هاشان را از میان برده ام،

از این پس عابری نخواهد بود؛

شهرهاشان ویران شده،

بدون هیچ بشری، بدون هیچ سکنه ای.

۷ می گفتم: لا اقل از من خواهی ترسید،

۲:۳ و درس را خواهی پذیرفت،

بدینسان از مقابل چشمانش محو خواهد
شد

تمام آنچه که به سبب آن وی را مکافات
رساندم.

اما به گونه ای خستگی ناپذیر منحرف
ساخته اند^g

تمامی اعمال خویش را.

۸ به همین سبب، منتظر من باشید^h

- وحی بیهوه -

در آن روز که برای شهادت به پا خیزم؛

زیرا مقدر کرده ام تا ملت ها را گرد آورم،

مملکت ها را جمع کنم،

تا غیظ خود را بر آنها بریزم،

تمام حدت خشم خویش را،

آن هنگام که به آتش حسادت من

تمامی زمین از میان برود.

وعده ها

توبه قوم ها

۹ زیرا آنگاه به قوم ها خواهم بخشید

لبان پاکⁱ،

تا همگی نام بیهوه را بخوانند

و او را شانه به شانه خدمت کنند^j.

۱۰ از آن سوی نهرهای کوش

k...

برایم هدایا خواهند آورد.

توبه اسرائیل

۱۱ در آن روز، دیگر نیازی نخواهد بود که

از هیچ یک از اعمال سرخ شوی

که به واسطه آنها در حق من بی وفا بوده ای.

زیرا آن هنگام از میان تو دور خواهم

ساخت

f در این آیه، صفنیا نشان می دهد که با اینکه انبیا و کاهنان دروغین آنقدر خطا کارند، اما خداوند شهر (وی) را ترک نکرده و اراده اش قابل شناسایی و تشخیص است.

g ترجمه ما تفسیری است از یک اصطلاح: «انجام کاری در صبح خیلی زود» که به معنی انجام کاری با شتاب است. تفسیر این آیه حاوی قطعیت نیست. متن مخدوش به نظر می رسد.

h صفنیا در اینجا سبکی مکاشفه ای را دنبال می کند که در ۶:۳ آغاز شده بود.

i زبان قوم ها «نایاک» بود (ر.ک. اش ۴:۶) زیرا این لب ها نام خدایان دروغین را ادا می کردند. پاک شدن لب در نقطه مقابل بی وفایی و بی ایمانی ایشان می باشد.

j تحت اللفظی: با یک شانه. ر.ک ۱-۲۲:۱۳؛ مثل پیامبرانی که فقط یک زبان داشتند تانمیکه را به پادشاه اعلام کنند. ار ۳۲:۳۳ «یک قلب و یک راه».

k ما از ترجمه این مصرع خودداری کرده ایم. قرائت تحت اللفظی آن چنین است: «آنان که از من استدعا می کنند، دختر پراکندگان من». ما نیز طبق نظر فان هوناگر، این جمله را توضیحی تلقی می کنیم که نسبتاً بد نوشته شده و نویسنده آن در نظر داشته با نسبت دادن لطفی که در آینده در حق اهالی حبشه خواهد شد، از پراکندگان یهود دلجویی کند.

یہوہ در میان تو پادشاہ اسرائیل است: دیگر مصیبت را نخواهی دید. ۱۶ در آن روز، بہ اورشلیم خواهند گفت: ہراس بہ خود راہ مدہ، ای صہیون! ۱۷ یہوہ، خدایت، در میان تو است، قہرمان نجات دہندہ! ⁿ بہ سبب تو، او شادی خواہد نمود، تو را بہ واسطہٴ محبت خویش احیا خواہد کرد ^o ؛ با فریادہای شادی برای تو شادمانی خواہد کرد، ۱۸ همچون روزہای ملاقات ^p . مصیبت را از تو برداشته ام تا دیگر متحمل رسوایی نگردی. ۱۹ اینک در آن زمان [قلع و قمع] خواہم کرد جمیع آنان را کہ تو را درماندہ می سازند، ہر آنچه را کہ لنگ است ^q نجات خواہم داد، ہر آنچه را کہ گم شدہ، جمع خواہم کرد، بہ آنان ستایش و آوازہ خواہم بخشید در جملہ سرزمین ہایی کہ شرم را شناختند.	فاتحان متکبرت را، و دیگر ادامہ نخواہی داد بہ برافراشتن خویش بر کوہ مقدس من. ۱۲ در میان تو باقی خواہم گذارد قومی مسکین و ناتوان را ۳:۲ کہ در نام یہوہ پناہ خواہند گرفت. ۱۳ بازماندہٴ اسرائیل ^l مرتکب ظلم نخواہد شد و دروغ نخواہد گفت، و در دہان نشان یافت نخواہد شد زبانی فریبکار. ۵:۱۴ بلکہ قادر خواہند بود بچرند و بیارمند بی آنکہ کسی آنان را مضطرب سازد.
	اورشلیم سامان یافتہ ۱۴ فریاد شادی سزدہ ^m ، ای دختر صہیون، فریاد بر آورید، ای اسرائیل! شادی کن و وجد نما با تمامی دل خویش، ای دختر اورشلیم! ۱۵ یہوہ مکافات ہایی را کہ بر علیہ تو [اعلام شدہ بود] دور ساختہ. دشمنانت را دور کردہ؛

اش ۳:۳۵-۴
۱۳:۱۴-۱۴اش ۱۲:۶
خز ۴۸:۳۵اش ۳۲:۴۱
اش ۶۲:۵خز ۳۴:۱۶
میگ ۶:۴-۷اش ۱۲:۶
۱:۵۴
زک ۲:۱۴
۹:۹

اش ۴۰:۲

l در بارہ قوم باقیماندہ کوچک و وفادار. ر. ک. اش ۱:۹؛ ۳:۴؛ ۴:۵؛ ۵:۱۵ و غیرہ.

m در این آیہ کہ صفینیا کلماتی مترادف بہ کار می برد، باید توجہ داشت کہ شادی ناشی می شود از بخشایش و محبت، و از پایان ترس و از حضور خدا (آیات ۱۵-۱۷) شادی آن گونه کہ مورد درک نبی است، فقط امری «درونی» نیست، بلکہ شادی ای است وافر.

n می توان «فاتح» نیز برداشت کرد.

o متن ماسورتی در اینجا از کلمہ عبری «یہریش» استفادہ می کند، بہ معنی «او ساکت می ماند»، ترجمہ ما مبتنی است بر قرائت یونانی کہ در پس آن، کلمہ عبری «یہادش» قرار دارد، یعنی احیا می کند.

p ترجمہ ما مبتنی است بر قرائت یونانی. قرائت عبری: «مصیبت زدہ بیرون از عید». در مورد اصطلاح «ملاقات» ر. ک. ہو ۱۰:۱۲. مراد سکونت قوم اسرائیل در صحرا است پس از خروج از مصر، آن زمان کہ یہوہ قوم خود را «ملاقات» کرد. در خصوص این اصطلاح، ر. ک. خروج ۲۵:۲۲؛ ۲۹:۴۲؛ ۳۰:۶، ۳۶. این دورہ ای مشابہ دورہٴ نامزدی بود، دورہٴ عشق کامل.

q گویا نویسنده خداوند را همچون چوپان بہ تصویر می کشد کہ گوسفندان لنگ و گمشدہ را مورد نقد قرار می دہد. ر. ک. ار ۲۳:۶؛ حزق ۲۳:۳۴ و توضیحات.

۲۰ در آن زمان، شما را باز خواهیم آورد
 در آن زمان، شما را گرد خواهیم آورد،
 آن هنگام که به شما آوازه و ستایش
 ار ۳۷:۳۲ آن هنگام که به شما آوازه و ستایش
 بیخشم

در میان تمام قوم های زمین،
 آن هنگام که تقدیر شما را تغییر دهم^۲
 در مقابل چشمان شما - یهوه می فرماید.

^۲ اصطلاحی که این گونه ترجمه شده، می تواند این معنی را نیز بدهد: «اسیرانشان را باز خواهیم آورد». این ممکن است اشاره ای باشد به رویدادهای سیاسی (سقوط اورشلیم و تبعید): در این صورت، تاریخ این وحی مربوط می شود به پایان خدمت صفنیا (ر.ک. مقدمه) مگر اینکه نبی بازگشت اسیران مملکت شمالی را مدنظر داشته باشد که تاریخش بسیار پیش از موعظه صفنیا بوده است.